

مظلومیت علم اقتصاد

محمد رضا فرهادی پور

<http://www.Farhady.com>

در سرمقاله روزنامه دنیای اقتصاد مطلبی را از دکتر محمد مهدی بهکیش که اینجانب شاگرد درس اقتصاد ایران ایشان نیز بوده ام خواندم که خاطره ای را از یکی از وزرای دولت آقای هاشمی رفسنجانی نقل کرده و نوشته بودند که "اکثر وزرا با مفاهیم ساده و اولیه اقتصاد آشنایی ندارند ولی در تصمیمات بسیار مهمی دخیل هستند" باز بر مظلومیت علم اقتصاد ایمان آوردم. مظلومیت علم اقتصاد باعث ایجاد مشکلات اقتصادی و اجتماعی می شود و اگر این مظلومیت ادامه یابد دیواری که با خون دل نسلهها ساخته شده در مقابل این سیلاب دوام نمی آورد. باید پذیرفت که برای موفقیت در امور زندگی باید قانون مندی و قانون مداری علمی لازم است. برای گمان بودم همان گونه که علم اقتصاد می آموزد ارزش هر چیزی به کمیابی آن است و ... باور آورده بودم که کمیاب ترین کالای علمی این دیار علم اقتصاد و فرهیختگان اقتصاددان هستند. خودمانیم، هنوز هم بفهمی نفهمی برای گمانم. اما این تناقض هنوز برای من رفع نشده که چرا این کالای کمیاب تا به این حد در این دیار ارزان است^۱. من هفت سال از روزهای گل عمرم را در دانشکده های اقتصاد سپری کردم، اما امروز فهمیدم، زبانم نمی چرخد اما باید بچرخد و بگویم حرام کردم. به یاد دارم روزی در کلاس درس یکی از استادان برجسته علم اقتصاد این کشور درد دل می کرد و می گفت در تاریخ این دیار علم اقتصاد با مظلومیت خاصی همراه بوده است و روزی یکی از شما باید در مورد موضوع مظلومیت علم اقتصاد پژوهشی انجام داده و کتابی در اینباره تالیف نماید. گرچه همواره و همه وقت می دیدم که اقتصاد به شدت تحت تاثیر سیاست است و این سیطره سیاست بر اقتصاد شاید بزرگترین جلوه مظلوم نمایی علم اقتصاد باشد، اما این مظلومیت مصادیق بسیاری دارد و اقتصاددانان نیز این موضوعات را مورد توجه قرار داده اند. اقتصاددانان نهادگرا نیز به تائید این امر پرداخته و معتقدند در عین در هم تنیدگی اقتصاد و سیاست، نقطه عزیمت حتی در کشورهای صنعتی ساخت سیاسی است، آنها معتقدند بواسطه اینکه قاعده بازی در تمامی بازارها توسط دولت تعیین می شود بنابراین با تقدم امر سیاسی در تصمیم گیری های مربوط به جامعه روبرو هستیم و البته این قاعده گذاری الگوی رابطه دولت و مردم را مشخص می کند. اما با وجود این ادله محکم برای تائید مظلومیت این علم با خودم می گفتم همانگونه که کینز (Keynes) می گوید اقتصاددانان شیوه زندگی مردم را تحت تاثیر قرار می دهند، یا اینکه اگر حرف هایک (Hayek) خریدار ندارد جایگزین او کینز است، راه حل کینز باعث خروج از بحران بزرگ ۱۹۳۰ شد و یا اینکه در انگلستان بالاترین دستمزد را نخست وزیر دریافت می کند اقتصاددانی را به عنوان مشاور انتخاب می کند و وی حقوقی بالاتر از حقوق نخست وزیر را مطالبه می کند و در همین راستا نخست وزیر قانون پارلمان را تغییر داده و وی را با دستمزدی بالاتر از خود استخدام می نماید و سالها بعد مجله اکونومیست به ارزیابی اقتصادی این تصمیم می پردازد و نتیجه آن را مثبت اعلام می کند، دلگرم می شوم. به سان رود که در نشیب دره سر به سنگ می زند/ رونده باش، امید هیچ معجزی زمرده نیست/ نیست.

^۱. آواز پر سیاوش، محسن رنانی